

عوامل زمینه‌ای تربیت سیاسی - اجتماعی همسرگزینی*

ک. قربانعلی رضوانی**

ابوالفضل ساجدی***

چکیده

خانواده اولین و مهم‌ترین اثر را بر شکل‌گیری باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های سیاسی و اجتماعی فرزند دارد. ارزش‌هایی که در سنین اولیه یادگیری منتقل می‌شوند، غالباً در سراسر زندگی حفظ می‌شود و در تنظیم روابط اجتماعی و سیاسی فرد نقش ایفا می‌کند. تحقیقات نشان می‌دهد که کودکان در خانواده‌هایی که معمولاً دارای تجانس دیدگاه اجتماعی و سیاسی هستند، پیام‌ها و ارزش‌هایی سیاسی و اجتماعی منسجم دریافت می‌کنند. از این رو، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی برای جامعه‌پذیری سیاسی و اجتماعی مناسب و منسجم کودک «همسان همسری» در ساحت‌های شخصیتی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را پیشنهاد می‌کنند.

منابع دینی در همسرگزینی به ابعاد مختلف شخصیت همسر توجه نموده است. از یک سو، به خصوصیات وراثتی مانند هوشمندی، شجاعت و بردباری توجه نموده است. از سوی دیگر، ویژگی‌های اکتسابی همسر را در سه ساحت شناختی، عاطفی و رفتاری، که در تربیت سیاسی و اجتماعی اثرگذار هستند، مورد تأکید قرار داده است. کفویت در همسرگزینی به جهت‌گیری ارزشی در انتخاب همسر اشاره دارد؛ یعنی خصوصیات ایمانی و اخلاقی که باید در تمام ابعاد اجتماعی و سیاسی شخصیت همسر وجود داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: عوامل زمینه‌ای تربیت، تربیت سیاسی اجتماعی، جامعه‌پذیری سیاسی،

همسرگزینی، صفات همسر، کفویت.

** این مقاله بخشی از طرح پژوهشی «تربیت دینی و شاخص‌های آن» است که برای مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری در حال انجام است.

*** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

*** دانشیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مقدمه

سیاسی و اجتماعی فرزند، انتخاب همسر شایسته و صالح است؛ زیرا از یک سو، صفات خاصی از او به فرزند انتقال می‌یابد و از سوی دیگر، مادر در ایجاد محیط تربیتی نقش مهمی ایفا می‌کند (شرفی، ۱۳۷۸، ص ۸۳).

اکنون سؤال این است: عوامل زمینه‌ای پیش از ازدواج، یعنی همسرگزینی، چه نقشی در تربیت سیاسی - اجتماعی فرزندان دارد. به تعبیر دیگر، در انتخاب همسر باید چه ویژگی‌های وراثتی، شناختی، عاطفی و رفتاری مورد توجه باشد؟ این نوشته به بررسی عوامل زمینه‌ای تربیت سیاسی - اجتماعی، یعنی همسرگزینی، می‌پردازد که در آن نقش ویژگی‌های وراثتی، شناختی، عاطفی و رفتاری همسر در تربیت سیاسی اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

امروزه یکی از عوامل مهم توسعه و پیشرفت در ساحت‌های مختلف حیات اجتماعی و سیاسی کشورها سرمایه انسانی است. یک کشور زمانی به پیشرفت مطلوب دست می‌یابد که سرمایه انسانی متعهد اجتماعی - سیاسی (شهروند) کافی داشته باشد. وجود شهروندان اجتماعی و سیاسی متعهد به عوامل مختلف تربیتی وابسته است. یکی از عوامل تأثیرگذار که نقش مهمی در تربیت سیاسی و اجتماعی دارد همسرگزینی است؛ زیرا مهم است که فرزند از دامن چه کسی و با چه ویژگی‌های وراثتی، شناختی، عاطفی و رفتاری به دنیا می‌آید و رشد می‌کند. این ویژگی‌ها به لحاظ اجتماعی و سیاسی آینده خانواده و فرزندان و حتی جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این رو، بررسی تأثیرگذاری همسرگزینی بر تربیت سیاسی و اجتماعی اهمیت و ضرورت می‌یابد.

تحقق جامعه سالم و پویای اسلامی منوط به شکل‌گیری آن بر اساس آموزه‌های اسلامی است. این امر زمانی تحقق می‌یابد که نهادهای مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه به صورت متوازن در بخش‌های مختلف جامعه با هماهنگی و هم‌سویی در این راه گام بردارند. یکی از نهادهای اجتماعی که نقش مهمی در تحقق جامعه سالم دارد خانواده است. خانواده از طریق تولید و تربیت اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کودکان، بقا و پویایی حیات اجتماعی و سیاسی را تضمین می‌کند.

واقعیت این است که بنیاد اساسی تربیت اجتماعی و سیاسی فرزندان خانواده است و همسرگزینی نخستین گام در این فرایند است؛ زیرا همسر به عنوان یکی از ارکان اصلی خانواده نقش مهمی در تربیت فرزندان دارد. اصولاً تربیت یک چرخه و فرایندی است که همواره در جریان است. فرزندان بیشترین دوره مهم تربیت اولیه‌شان را در خانواده می‌گذرانند و اولین و پایدارترین کانون جامعه‌پذیری آنان خانواده است. تا مدت‌ها پدر و مادر برای کودک اولین گروه مرجع به حساب می‌آیند. فرزندان هم به لحاظ اخلاقی و دینی و هم به لحاظ اجتماعی و سیاسی تحت تربیت، حمایت و مراقبت و پدر و مادر هستند. از جانب دیگر، حفظ و تداوم جامعه هم به لحاظ بازتولید نسل جایگزین و هم به لحاظ تربیت اجتماعی و سیاسی وابسته به خانواده است.

تربیت اجتماعی - سیاسی فرزندان به عوامل بسیاری وابسته است که بررسی هرکدام مجال و مقال جداگانه‌ای می‌طلبد. در این مقال به بررسی عوامل زمینه‌ای تربیت سیاسی - اجتماعی پرداخته می‌شود. اولین گام در تربیت

پیشینه بحث

در مورد عوامل زمینه‌ای تربیت سیاسی - اجتماعی، به صورت منسجم و مدون بحثی انجام نشده است. می‌توان کارهای انجام شده را چنین دسته‌بندی نمود:

الف) آثاری که به بررسی نقش محیط و وراثت در تربیت به طور کلی پرداخته‌اند (شهیدی، ۱۳۳۸؛ بشارت، ۱۳۵۵؛ نورمحمدی، ۱۳۸۱؛ صانعی، ۱۳۷۸)؛

ب) آثاری که به بررسی نقش برخی ویژگی‌های مادر در تربیت فرزند اشاره دارد (پاک‌نیا، ۱۳۸۲).

کاستی‌های نوشته‌های فوق در دو چیز است:

۱. جهت‌گیری کلی در تربیت؛

۲. نپرداختن به تربیت سیاسی - اجتماعی.

الف. نقش وراثت و محیط

ویژگی‌ها و روحیات هر انسانی آمیزه‌ای از کنش متقابل بین ویژگی‌های اکتسابی و سرشتی است. ویژگی‌های سرشتی، ویژگی‌هایی است که از والدین از طریق وراثت انتقال می‌یابد، اما صفات اکتسابی خصوصیات اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی‌اند که در طی فرایند پرورش اجتماعی به فرزند منتقل می‌شوند. مادر هم ژن‌های خود را به فرزندانش می‌دهد که از طریق آن خصوصیات جسمانی و برخی از خصوصیات هوشی و عاطفی‌اش منتقل می‌شود و هم خصوصیات محیط خانه را که به واسطه آن، فرزندان روحیات و خلق و خو و رفتارهای اکتسابی اجتماعی و فرهنگی را فرا می‌گیرند (اتکینسون، ۱۳۸۵، ص ۴۳۱).

هیچ تردیدی وجود ندارد که شخصیت انسان به تنهایی از یک عامل وراثت و یا محیط شکل نمی‌گیرد. یقیناً هریک از این عوامل بی‌تأثیر نیستند، اما اینکه میزان تأثیر هرکدام چقدر است شاید به سادگی قابل تشخیص و

تعیین نباشد. ازاین‌رو، امروزه نظریه‌های تبیین زیست‌شناختی از کج‌روی اجتماعی به خاطر نقشی تعیین‌کننده‌ای که به وراثت می‌دهند، جایگاهی ندارند؛ زیرا چنین استدلال می‌کنند که اختلاف میان منحرفان و غیرمنحرفان در برخی از ویژگی‌های وراثتی است که بعضی افراد را مستعد ارتکاب جرم می‌کند (احمدی، ۱۳۸۴، ص ۲۴-۳۱). بر اساس نظریه‌های زیست‌شناختی، آنچه تعیین‌کننده رفتار راست‌روانه از کج‌روانه می‌باشد خصوصیات ژنتیکی است. این دیدگاه بر مبنای یک انسان‌شناسی جبرگرایانه استوار است که نقشی برای تربیت قایل نیست. اگر با یک واقع‌بینی در این مسئله بنگریم درخواهیم یافت که وراثت به تنهایی تعیین‌کننده نیست، بلکه آمیزه‌ای از آن و محیط طبیعی از یک سو و محیط اجتماعی و سایر عوامل مانند نقش مربی و روش‌های تربیت و اختیار انسان از سوی دیگر، در تربیت اجتماعی مؤثر است.

شکل‌گیری شخصیت فرزند و تربیت درست اجتماعی و سیاسی او از عوامل زمینه‌ای مختلف تأثیر می‌پذیرد. خصوصیات و ویژگی‌های مادر یکی از زمینه‌هایی است که باید در همسرگزینی و پیش از تشکیل خانواده مورد توجه قرار گیرد. امروزه ثابت شده است که تربیت اجتماعی - سیاسی کودک در خانواده چیزی بیش از یادگیری صرفاً شناختی است؛ زیرا کودک در اوضاع و احوال آکنده از جنبه شدید عاطفی پرورش می‌یابد و به شیوه عاطفی متعددی با اطرافیان مهم خود احساس یگانگی و انطباق می‌کند؛ نقش‌ها و گرایش‌های ذهنی، عاطفی، رفتاری و اخلاقی افراد صاحب نفوذ را می‌پذیرد و از طریق انطباق با دیگرانی که برایش اهمیت دارند قادر می‌شود هویت خویش را تشخیص دهد و از نظر ذهنی هویتی منسجم و موجه کسب کند (برگر و لوکمان، ۱۳۸۵، ص ۱۸۰). ازاین‌رو، توجه به

ویژگی‌های همسر برای داشتن فرزند با تربیت مناسب اجتماعی - سیاسی امری اجتناب‌ناپذیر است.

ب. ویژگی‌های همسر

امروزه جامعه اسلامی به خاطر گسترش فضای تنفسی سکولاریسم، فردگرایی، ارتباطات فراگیر و بدون محدودیت و از بین رفتن قید و بندهای سنتی و جایگزین نشدن هنجارهای بدیل موجه و معقول در مسئله همسرگزینی، دچار یک نوع پریشان‌رفتاری در همسرگزینی است. این امر مسائل زیادی را به دنبال داشته است که از جمله می‌توان به گسترش پدیده‌های طلاق، خشونت خانوادگی، دختران فراری، کودکان خیابانی، اعتیاد و از همه مهم‌تر، سرنوشت و آینده مبهم و نامناسب تربیتی به‌طور عام و تربیت سیاسی - اجتماعی به‌طور خاص برای فرزندان اشاره کرد.

یقیناً اولین پیامد چنین آسیب‌هایی متوجه تربیت فرزندان می‌شود؛ زیرا آنان در گرفتاری‌ها، درگیری‌ها و مسائل والدین مورد بی‌توجهی و بی‌مهری قرار می‌گیرند و از نیازها و الزامات تربیت اجتماعی آنان غفلت می‌شود. بی‌تردید، شیوع پدیده‌های فوق در عوامل مختلفی ریشه دارد؛ اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که یکی از تأثیرگذارترین عوامل در پدیده طلاق و سایر ناهنجاری‌ها و اختلافات خانوادگی، همسرگزینی نامناسب و نادر است. این بررسی‌ها و آسیب‌شناسی‌ها راهبردهای دقت در انتخاب، کنش عقلانی، معاشرت منطقی و شناخت همسر را پیشنهاد می‌کنند (اقاجانی، ۱۳۸۷، ص ۲۲۵-۲۲۶). پیشنهادهای فوق نشان می‌دهد که هرچه شناخت و آگاهی از همسر پیش از ازدواج بیشتر باشد ازدواج موفق‌تر، خانواده سالم‌تر و مسائل خانواده نیز کمتر خواهد بود؛ در نتیجه، آینده و تربیت مناسب اجتماعی و

سیاسی برای فرزندان رقم خواهد خورد. منابع دینی و سنت نیز در مورد همسرگزینی توصیه‌ها و دستوراتی دارد که حاکی از اهمیت و نقش آن در تربیت است. در منابع دینی از یک‌سو، به وراثت توجه شده است؛ زیرا قانون وراثت بدون کوچک‌ترین فعالیت اختیاری صفات و خصایص مادر را به فرزند منتقل می‌کند. چنان‌که در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «توجه کنید نطفه‌تان را در چه محلی مستقر می‌کنید؛ زیرا خلق و خوی والدین به فرزندان متصل است» (قضاعی، ۱۳۶۱، ص ۳۰۹؛ طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۱۹۷). این حدیث با صراحت تمام از نقش وراثت سخن گفته است (فلسفی، بی‌تا، ص ۶۵). از سوی دیگر، فرزند در دامن مادر رشد و پرورش می‌یابد و خصوصیات رفتاری و عاطفی و شناختی او در ساحت‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تحت تأثیر تربیت مادر می‌باشد. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که تحقیقات علمی و دین‌هر دو توصیه می‌کنند که برای داشتن خانواده خوب و بالتبع فرزندان با تربیت مناسب اجتماعی و سیاسی باید در همسرگزینی دقت و احتیاط شود و صفات و خصوصیات همسر مورد توجه قرار گیرد.

ویژگی‌های وراثتی

تربیت فرایندی است که اگر به درستی انجام پذیرد، باید به زمینه‌های آن قبل از ازدواج توجه شود. یکی از عوامل زمینه‌ای تربیت، پیش از ازدواج و در همسرگزینی نهفته است. انتخاب همسر از چند جهت اهمیت دارد که یکی از آن جهات وراثت است (استوتزل، ۱۳۷۱، ص ۵۲-۵۳). اولین گام در تربیت سیاسی - اجتماعی توجه به ویژگی‌های وراثتی همسر است؛ زیرا از این طریق ویژگی‌های مادر به فرزند منتقل می‌شود. منابع دینی نیز

شجاع به دنیا آورد» (محمدی ری‌شهری، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۸۲). عقیل ام‌البین را انتخاب کرد و عرض کرد: این همان زنی است که تو می‌خواهی، و این آرزوی امام علی علیه السلام در حضرت ابوالفضل العباس و برادران او تحقق یافت (مطهری، ۱۳۸۱، ج ۱۷، ص ۹۸). منظور و هدف آن حضرت بی‌ارتباط به حادثه کربلا نیست تا فرزندان حاصل از این ازدواج در روز عاشورا بتوانند نقش تاریخی خود را ایفا نمایند.

نسب، بیشتر میراث ژنتیکی را نشان می‌دهد که از طریق آن شجاعت و سایر صفات انسانی از پدر و مادر به فرزند منتقل می‌شود. اگر میراث ژنتیکی شجاعت و سایر صفات برجسته نباشد، صرف تربیت شاید نتواند هدف را برآورده سازد. محمد حنفیه فرزند علی در جنگ جمل علمدار لشکر بود. امیرالمؤمنین علیه السلام به او فرمان حمله داد. محمد حنفیه حمله کرد، ولی دشمن با ضربات نیزه و تیر جلوی او را گرفت و محمد از پیشروی باز ماند. حضرت خود را به او رساند و فرمود: «از ضربات دشمن مترس، حمله کن!» (حسینی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۴۱). قدری پیشروی کرد ولی باز متوقف شد. امیرالمؤمنین از ضعف فرزندش سخت آزرده خاطر شد، نزدیک آمد و با قبضه شمشیر به دوشش کوبید و فرمود: «این ضعف و ترس را از مادرت ارث برده‌ای!» (همان). یعنی من که پدر تو هستم ترسو نیستم. این درست است که شجاعت یک ویژگی فردی است و از طریق میراث ژنتیکی به انسان می‌رسد، اما بروز و ظهور اجتماعی و سیاسی دارد و در میدان‌های رزم اجتماعی، سیاسی و نظامی نشان داده می‌شود.

۲. نکاوت و هوشمندی

یکی دیگر از صفاتی که از طریق وراثت انتقال می‌یابد ذکاوت و بهره‌ هوشی است. در روان‌شناسی همواره این بحث وجود داشته است که تأثیر هریک از وراثت و محیط

این نقش را تأیید می‌کند: «محل نطفه‌های خود را به دقت انتخاب کنید» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۰، ص ۵۹۱). در این حدیث، بر محل نطفه تأکید شده است. اگر تأکید بر نقش وراثت نبود، شاید تعبیر دیگری به کار می‌رفت.

از دیرباز مسئله وراثت و انتقال ویژگی‌های پدر و مادر به صورت ژنتیکی مورد بحث و توجه بوده است. شاید در بدو امر، چنین به نظر آید که صرفاً برخی از ویژگی‌های جسمانی و ظاهری به فرزندان منتقل می‌شود؛ اما واقعیت این است که ویژگی‌ها و صفات احساسی و عاطفی، هوشی و عقلی و رفتاری انتقال می‌یابند. مطالعات نشان می‌دهد که عوامل ارثی در ویژگی‌های رفتاری و سایر ویژگی‌های پیچیده انسان، نقش اساسی دارند (پلامین و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۵۱).

بر این اساس، می‌توان گفت: فرزند به لحاظ صفات و حالات روحی، عاطفی، هوشی و رفتاری آمیزه‌ای از ویژگی‌های والدین است. از طریق وراثت ممکن است صفات و خصوصیات زیادی از مادر به فرزند منتقل شود که در جای خود از اهمیت برخوردار است، اما آنچه در اینجا اهمیت بیشتری دارد، ویژگی‌های وراثتی است که با ساحت سیاسی و اجتماعی تناسب بیشتری دارد و یا حداقل نمود و ظهور اجتماعی و سیاسی آن نسبت به سایر ساحت‌ها بیشتر است. از این رو، به بررسی سه خصوصیت وراثتی شجاعت، هوشمندی و صبر که نقش مهم‌ترین در روابط و مناسبات سیاسی - اجتماعی دارد پرداخته می‌شود.

۱. شجاعت

یکی از صفات که از طریق وراثت به فرزند منتقل می‌شود صفت شجاعت است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام به برادرش عقیل فرمود: «برای من زنی انتخاب کن که از نسل دلیرمردان عرب باشد تا او برایم فرزندی اسب‌سوار و

۳. صبر و بردباری

صبر نیز یکی از ویژگی‌هایی است که از طریق وراثت قابل انتقال است. معمولاً اگر خویشاوندان نسبی افرادی صبور باشند، فرزندان نیز چنین خصوصیت رفتاری را دارا خواهند بود. به طور کلی، ثابت شده است که ویژگی‌های رفتاری از طریق وراثت انتقال می‌یابند (پلامین و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۵۱). صبر نیز به عنوان یک ویژگی رفتاری از این قاعده مستثنا نیست. منابع دینی در این مورد حکایت از انتقال صبر از طریق فطرت دارد. روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که نشان می‌دهد صبر و بردباری چیزی است که خداوند به اهل بیت علیهم السلام داده است (ر.ک: مجلسی، بی تا، ج ۲۶، ص ۲۶۵). این درست است که این صفات برای اهل بیت به صورت خاص و به عنوان یک صفت انسانی از جانب خداوند داده شده است، اما این اعطا از طریق علل و اسباب است نه به صورت مستقیم. یکی از اسباب که خداوند در طبیعت و سرشت انسان گذاشته است قانون وراثت است. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که صبر و بردباری در همسرگزینی باید مورد توجه باشد؛ زیرا آثار تربیتی فراوانی بر آن مترتب است. اصولاً حیات سیاسی و اجتماعی همواره با تنش‌ها درگیری‌ها و نامردمی‌های فراوانی همراه است. اگر صبر و بردباری قرین کنش سیاسی و اجتماعی شود، افراد کمتر در معرض خطا، لغزش و فتنه‌های اجتماعی و سیاسی قرار می‌گیرند؛ زیرا انسان‌های ناصبور و اهل جزع و فزع در برابر ناملایمات، سختی‌ها و شکنجه‌ها کمتر تاب می‌آورند و شتاب زده تصمیم می‌گیرند و نمی‌توانند با صبر و رندی از آزمون زندگی اجتماعی و سیاسی سربلند بیرون آیند.

ویژگی‌های اکتسابی

ویژگی‌های اکتسابی به ویژگی‌هایی گفته می‌شود که انسان

در هوش و توانایی‌های ذهنی چه اندازه است. بررسی‌ها نشان می‌دهند که هر اندازه درجه خویشاوندی بیشتر باشد همبستگی بین نمره‌های هوش افزایش می‌یابد. این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که تأثیر عوامل محیطی (پرورش در یک محیط یا دو محیط متفاوت) کمتر از عامل خویشاوندی یعنی وراثت است (شریفی، ۱۳۷۶، ص ۵۶-۵۷). تحقیقات درباره همبستگی میان هوش فرزندان و والدین نشان می‌دهد که هوش برادران و خواهران همزاد نسبت به برادران و خواهران غیرهمزاد که در یک محیط پرورش یافته‌اند بیشتر است (شریعتمداری، ۱۳۷۴، ص ۷۰-۷۴). بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که هوشمندی چیزی است که از طریق میراث ژنتیکی والدین به فرزندان منتقل می‌شود.

منابع دینی نیز انتقال هوشمندی از طریق وراثت را تأیید نموده است. از این رو، اسلام دستور می‌دهد: «با افراد کودن و احمق ازدواج نکنید؛ زیرا معاشرت با ایشان بلایی است عظیم و فرزندان‌شان نیز ضایع خواهند شد» (حرّعاملی، ۱۳۸۴ق، ج ۱۴، ص ۵۶؛ راوندی، بی تا، ص ۱۳). بی تردید، ازدواج با افرادی کودن و کم‌هوش به رغم اینکه خانواده را با مشکلاتی مواجه خواهد ساخت، زندگی فرزندان را نیز ضایع می‌کند؛ زیرا اولاً، ضعف بهره هوشی مادر به فرزندان از طریق وراثت انتقال می‌یابد؛ ثانیاً، همسر کودن در امور تربیتی فرزندان نیز نخواهد توانست به طور شایسته‌ای آنان را به لحاظ اجتماعی و سیاسی تربیت نماید؛ زیرا فرزندان از رفتار اجتماعی - سیاسی والدین الگو می‌گیرند. وقتی آنان خود در کنش معقول و مناسب اجتماعی - سیاسی دچار ضعف و کودنی هستند و از آداب معاشرت اجتماعی چیزی نمی‌دانند، چگونه می‌توانند فرزندان خود را مؤدب به آداب اجتماعی و سیاسی تربیت نمایند؟

معرفت خداوند استوار است (رهنمایی، ۱۳۸۷، ص ۲۲۰-۲۲۳). از این رو، به نظر می‌رسد که باید در همسرگزینی به اعتقاد و ایمان همسر توجه نمود؛ زیرا اعتقاد خود را در احساسات و رفتار فرد نشان می‌دهد و زمینه را برای یادگیری فرزند فراهم می‌سازد (ر.ک: دلشادتهرانی، ۱۳۷۶، ص ۷۷-۸۰).

۱-۲. **سیاسی - اجتماعی:** بعد آگاهی سیاسی و اجتماعی همسر نیز از اهمیت اساسی برخوردار است.

۱-۲-۱. **هوش اجتماعی:** هوشمندی از جمله ویژگی‌هایی است که هم از خصایص وراثتی به حساب می‌آید و هم اکتسابی. هوش اجتماعی تابع نوع تربیت و پرورش اجتماعی است. همه ما افرادی را سراغ داریم که به‌رغم باهوش بودن، اغلب در انجام تکالیف محوله ناکام می‌مانند. چنین افرادی معمولاً در آزمون هوش نمره عالی کسب می‌کنند، اما توفیق چندانی ندارند. دلیل این امر این است که در موفقیت زندگی باهوش بودن شرط لازم است نه کافی؛ زیرا باهوش بودن تنها یکی از مؤلفه‌های موردنیاز برای موفقیت در زندگی واقعی است. علاوه بر آن، باید محیطی مناسب و آرمانی وجود داشته باشد و فرد به لحاظ اجتماعی به حد کافی انگیزه، مهارت، تسلط بر رفتارهای غریزی، پشتکار، انتخاب مسیر درست، اعتماد به نفس، تمرکز و استقلال کافی و سایر مؤلفه‌های اجتماعی مؤثر بر تربیت را داشته باشد تا بتواند موفقیت کسب کند (استرنبر و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۵۰۷-۵۱۷). از این رو، اگر فرد به‌گونه‌ای پرورش اجتماعی یافته باشد که تمام قابلیت‌های سیاسی و اجتماعی او به رشد رسیده باشد هوشمند است. هوشمندی یک ویژگی عمومی است و در عرصه‌ها و ساحت‌های مختلف قابل تحقق است. ممکن است کسی در یکی از ساحت‌های زندگی از هوشمندی بیشتری برخوردار باشد، درحالی‌که در

به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم فرامی‌گیرد. ویژگی‌های اکتسابی که در تربیت فرزند نقش دارد یک طیف وسیعی را شامل می‌شود. هدف این نوشته، بررسی آن ویژگی‌هایی است که به‌عنوان عوامل زمینه‌ای در تربیت سیاسی و اجتماعی فرزند نقش ایفا می‌کند؛ یعنی صفات سیاسی - اجتماعی که باید در همسر وجود داشته باشد. ویژگی‌های وراثتی یک همسر خوب به لحاظ تأثیرگذاری بر تربیت سیاسی و اجتماعی فرزند مورد بررسی قرار گرفت و نشان داده شد که این ویژگی‌ها باید در همسرگزینی مورد توجه باشد؛ زیرا به‌عنوان یک زمینه (عامل معد) می‌تواند در تربیت سیاسی - اجتماعی نقش ایفا نماید. اما یک بعد مهم دیگری از صفات مادر وجود دارد که ریشه در تربیت سیاسی و اجتماعی دارد؛ یعنی اکتسابی است. این ویژگی‌های اکتسابی در سه ساحت شناختی، عاطفی و رفتاری مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱. ویژگی‌های شناختی

ویژگی‌های شناختی خود به دو دسته باور سیاسی - اجتماعی و آگاهی سیاسی - اجتماعی تقسیم می‌شود.

۱-۱. **اعتقادی:** ویژگی اعتقادی به ویژگی گفته می‌شود که بر بنیادهای اساسی رابطه انسان با خدا استوار است. بن‌مایه اصلی این اعتقاد را عبودیت خداوند و دوری از اطاعت طاغوت تشکیل می‌دهد (نحل: ۳۶). از این روست که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «هرکه [رابطه] میان خود و خدای را اصلاح کند، خدا [رابطه] میان او و مردم را اصلاح می‌کند» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۴۸۳). حدیث فوق نشان می‌دهد که بنیاد هر توفیق یا شکستی در حیات سیاسی - اجتماعی انسان، تابع نحوه رابطه او با خداوند است. بر این اساس، می‌توان گفت: نه تنها بنیاد هر دانش و تربیت، بلکه نخستین بنیاد هر تربیت و دانشی بر اعتقاد و

۳-۲-۱. آگاهی سیاسی: ویژگی بعدی که باید در همسرگزینی مدنظر قرار گیرد آگاهی سیاسی است. زیرا خانواده از نهادهای کلیدی در انتقال فرهنگ سیاسی به فرزندان محسوب می‌شود. این امر در جامعه اسلامی که بنیان خانواده از استحکام بیشتری برخوردار است اهمیت مضاعف می‌یابد؛ زیرا نسبت به سایر جوامع روابط و پیوند محکمی بین اعضای خانواده وجود دارد (مهرداد، ۱۳۷۶، ص ۱۰۹). منظور از آگاهی سیاسی در اینجا آگاهی لازم به‌عنوان یک شهروند از تحولات و رویدادهای سیاسی و مدنی راجع به امور جامعه اسلامی است (منصوری، ۱۳۸۶، ص ۲۴).

۲. ویژگی‌های عاطفی

از دیگر ویژگی‌هایی که در تربیت سیاسی - اجتماعی نقش اساسی دارد، و باید در همسرگزینی به آن توجه شود، خصوصیات عاطفی همسر است. اگر ابعاد عاطفی شخصیت همسر به حد کافی رشد یافته باشد، در رشد عاطفی فرزند نیز تجلی خواهد نمود؛ زیرا می‌تواند احساسات و عواطف فرزند را درک کند و به نحو مناسبی به آن پاسخ گوید و احساسات و هیجان‌های فرزند را مدیریت نماید و بهبود بخشد (جویدت‌پی، ۱۳۸۳، ص ۸۶).

رشد عاطفی عبارت است از توانایی در کنترل احساسات منفی و مثبت و بروز نفرت و خشم، عشق و شادی در محدوده مورد قبول جامعه. زن و شوهر باید توانایی داد و ستد و تبادل مهر و محبت و عواطف را نسبت به یکدیگر و همه افرادی که به گونه‌ای بر اثر این ازدواج با آنان مرتبط هستند، داشته باشند (نوابی‌نژاد، ۱۳۸۰، ص ۱۳). بی‌تردید، موفقیت در تربیت عواطف اجتماعی، موفقیت در تربیت عواطف سیاسی فرزند را به دنبال خواهد داشت.

عرصه‌های دیگر این‌گونه نباشد. دلیل این امر این است که قابلیت هوشی او در آن عرصه به شکوفایی رسیده است. از این رو، در همسرگزینی باید کسی را انتخاب نمود که هوش سیاسی - اجتماعی او به شکوفایی رسیده باشد. اگر همسری از بهره هوشی اجتماعی کافی برخوردار نباشد و به تعبیر روایت، «احمق» (حرعاملی، ۱۳۸۴، ج ۱۴، ص ۵۶) باشد، زندگی فرزند را به لحاظ تربیت اجتماعی دچار مشکلات اساسی می‌کند. وقتی همسر، که مهم‌ترین رکن تربیت فرزند است، نتواند تصمیم‌گیری‌ها، روابط، رفتارها و عواطف خود را در مقابل همسر و فرزند و دیگران به موقع و مناسب انجام دهد، فرزند به لحاظ شناختی، عاطفی و رفتاری به شکوفایی و رشد نمی‌رسد.

۲-۲-۱. آگاهی اجتماعی: هوش اجتماعی به‌عنوان یک

ویژگی اکتسابی که پیش‌تر مورد بحث واقع شد، از اهمیت بسیار اساسی برخوردار است، اما کافی نیست؛ زیرا تربیت مدنی و اجتماعی به‌رغم احتیاج به هوش، نیازمند آگاهی و اطلاعات در امور اجتماعی و مدنی نیز هست. آگاهی از «خود و ارزش خود» (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۱۱۹)، حقوق و وظایف خود و نیز حقوق و وظایف دیگران و ارزش‌های دینی، اخلاقی، سیاسی نقش مهمی در تربیت دارد. آگاهی از هدف‌داری زندگی، سلامت روان و آگاهی درباره چگونگی صرف اوقات فراغت، مشارکت اجتماعی، تقویت توان برای مواجهه با مشکلات و حل آنها و ابراز توانمندی و استعداد خود به صورت معقول (قائمی، ۱۳۸۰، ص ۳۶۱)، از ویژگی‌هایی است که باید در همسرگزینی مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا اگر مادر این ویژگی اجتماعی را نداشته باشد نمی‌تواند به نحو شایسته با فرزند رفتار نماید و به او رفتار شایسته را نشان دهد. از سوی دیگر، کودک ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری مادر را خواه ناخواه فرامی‌گیرد؛ زیرا والدین اولین الگو و گروه مرجع برای فرزندان هستند (شفرز، ۱۳۸۸، ص ۱۳۷-۱۳۸).

اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «محبوب‌ترین شما نزد خدا نیکو خلق‌ترین شماست» (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۳۳۵).

تحقیقات نشان می‌دهد که بعد از دو ماه نیازهای هیجانی و عاطفی کودک در سطح اجتماعی با دیگران هماهنگ می‌شود و خنده، نمایانگر رابطه عاطفی میان مادر و کودک و نشانگر استعداد اکتسابی است (هاینرش و میلز، ۱۳۸۰، ص ۸۷). همه ما در زندگی روزمره خود مشاهده کرده‌ایم که در فرایند پرورش اجتماعی، اخلاق اجتماعی والدین به فرزندان منتقل می‌شود. نوعاً والدین خون‌گرم و دارای عواطف مثبت و هنجارمند دارای فرزندان با عواطف مثبت و خوش‌مشرب هستند.

بدون تردید، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از این خصیصه تأثیرگذار در طریق هدایت و تربیت بهره برده و شاید یکی از رازهای نفوذ، ماندگاری و مقبولیت اجتماعی و سیاسی آن حضرت همین ویژگی بوده است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هرگاه کسی برای خواستگاری آمد که دین و اخلاقش را پسندیدید، رد نکنید، وگرنه فتنه و فساد بزرگ زمین را خواهد گرفت» (حرعاملی، ۱۳۸۴، ج ۱۴، ص ۵۱). وقتی افراد خوش‌اخلاق و متدین را رد کنید، یا باید دختران به فردی که این تدین و اخلاق را ندارد بدهید و یا بدون شوهر در خانه نگه‌داری نمایید. نکته تربیتی این است که در هر دو صورت منجر به فساد خواهد شد. اگر با افراد ناصالح ازدواج کند، شاید هم خود و هم فرزندان که از او بار می‌آیند باعث گسترش فساد در جامعه شوند، و اگر اصلاً به شوهر ندهید، خودش باعث فتنه و فساد در جامعه گردد.

بنابراین، خوش‌اخلاقی یکی از تأثیرگذارترین صفاتی است که باید هر مربی بخصوص مادر داشته باشد؛ زیرا به واسطه آن می‌توان دل‌متریان را صید کرد. به قول حافظ: به خُلق و لطف، توان کرد صید اهل نظر
به بند و دام نگیرند مرغ دانا را (حافظ)

موفقیت در ازدواج مشروط به برخورداری زوجین از استعدادها و ظرفیت‌های عاطفی بالا برای تبادل احساسات و عواطف مثبت در تعاملات مشترک خانوادگی است (بستان، ۱۳۸۳، ص ۱۸۶). وقتی بچه‌ها از پدر و مادر درس می‌گیرند، می‌آموزند که چگونه چطور احساسات خود را کنترل کرده و از طرق متعدد از آن بهره‌گیرند (جویدت‌پی، ۱۳۸۳، ص ۸۶).

۲-۱. خوش‌خلقی: هرچند برخی خوش‌اخلاقی و نرم‌خویی را جزء ویژگی‌های رفتاری دسته‌بندی نموده‌اند، اما می‌توان آن را جزء ویژگی‌های عاطفی تلقی کرد که نمود و بروز رفتاری برجسته‌ای دارد. رشد عاطفی در این است که انسان عواطف و احساسات خود را در روابط اجتماعی و سیاسی خود با دیگران به‌صورت مناسب و به‌موقع بروز دهد و نگذارد خشم، اضطراب و افسردگی یا شادی، و هیجان غرور رفتار او را از کنترل خارج نموده و به هر سمت و سویی سوق دهد. براین‌کنترل این حالات عاطفی در رفتار و مناسبات اجتماعی و مدنی منجر به خوش‌خلقی می‌شود؛ یعنی هرگاه انسان توانست عواطف مثبت و منفی خود را به تعادل رساند، به خوش‌اخلاقی دست یافته است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۵۹). از این رو، در این مقاله خوش‌خلقی و نرم‌خویی جزء ویژگی‌های عاطفی آورده شده است.

اخلاق نیکو از بهترین سرمایه‌های اجتماعی هر فرد است که می‌تواند به واسطه آن وارد مناسبات اجتماعی مؤثر شود و در اثر آن، به توفیقات اجتماعی و سیاسی دست یابد. اصولاً در عرف، حسن خلق نماد ادب و تربیت اجتماعی است. وقتی گفته می‌شود: فلان شخص از تربیت اجتماعی خوب برخوردار است، نوعاً مردم از آن حسن خلق را می‌فهمند. در احادیث نیز روی خوش‌رویی و حسن خلق بسیار تأکید شده است. پیامبر

است؛ «یعنی پیوند دوستی با دوستان خدا برقرار کردن و پیوند بیزاری با دشمنان خدا برقرار کردن» (مطهری، ۱۳۸۱، ج ۲۷، ص ۱۵-۱۶). برای نمونه، هرکس به ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام معتقد باشد کافی نیست، بلکه در همان حال باید یک حالت تبری و بیزاری از ضد علی علیه السلام نیز داشته باشد. تنها ایمان به خدا کافی نیست، بلکه باید نفی طاغوت در کنار آن قرار بگیرد (همان، ج ۲۶، ص ۱۳۳). در فلسفه تولی و تبری یک نکته تربیتی بسیار اساسی نهفته است و آن اینکه دوست داشتن شخصیت‌های گذشته برای این است که جامعه حاضر آن را الگوی خود قرار بدهد؛ و تبری از فاسقان گذشته برای این است که ضدیت با آن روش و منش را در پیش گیرد (همان، ج ۲۷، ص ۲۱۶). این درست است که دوستی و دشمنی اصولاً بنیاد اعتقادی دارد - مانند حق و باطل - اما باید توجه داشت این بنیاد شناختی زمانی می‌تواند در جامعه کنونی کارکرد سیاسی - اجتماعی داشته باشد که بتواند در عواطف، احساسات و رفتار فرد رخنه نماید و جلوه عینی یابد.

۳. ویژگی‌های رفتاری

ملاک‌ها و معیارهای بسیاری از جانب دین و علوم اجتماعی در همسرگزینی مورد توجه است که برای تحقق یک خانواده پایدار، با نقش‌ها و کارکردهای تربیتی مناسب و هنجارمند مؤثر است. این ملاک‌های مورد توجه و توصیه، ممکن است در ساحت‌های مختلف تربیت نقش ایفا نماید. اما آنچه در اینجا حایز اهمیت است، ملاک‌ها و ویژگی‌های رفتاری اثرگذار بر تربیت سیاسی - اجتماعی است. غالباً الگوگیری کودک از والدین جنبه رفتاری دارد. کودکان چیزهایی که از والدین می‌بینند یاد می‌گیرند و بر اساس آن رفتار می‌کنند. کودکان ذهن انتزاعی قوی ندارند و قدرت شناخت انتزاعی آنان زمانی شکل می‌گیرد که

افراد خوش خلق نوعاً در تعامل اجتماعی با دیگران موفق‌ترند و یکی از مجراهای نفوذ نیز همین اخلاق نیکو است. از این رو، می‌توان حسن خلق را به‌عنوان یک معیار در همسرگزینی در نظر گرفت که می‌تواند در تربیت سیاسی - اجتماعی فرزند اثر بگذارد.

۲-۲. نرم‌خویی و مهربانی (پاک‌نیا، ۱۳۸۲، ص ۵۸-۵۹):
نرم‌خویی آثار و برکات تربیتی فراوانی دارد که از جمله می‌توان به تأثیر آن در گسترش اسلام اشاره کرد (مطهری، ۱۳۸۱، ج ۱۶، ص ۱۷۱). خداوند در آیه ۱۵۹ «آل عمران» به پیامبر می‌فرماید: «به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرم‌خو [و پرمهر] شدی، و اگر تندخو و سخت‌دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند.» آیه بر نقش نرم‌خویی پیامبر صلی الله علیه و آله در جذب مردم و گرایش آنان به اسلام اشاره دارد؛ یعنی علت اقبال مردم به پیامبر و اسلام، نرم‌خویی بیان شده و دنباله آیه به صراحت اعلام می‌کند: اگر پیامبر تندخویی می‌کرد موجب ادبار مردم به اسلام و پیامبر می‌شد. نرمش در اخلاق، گفتار و رفتار، و پرهیز از خشونت اخلاقی، گفتاری و رفتاری جزئی از سیره اجتماعی و سیاسی پیامبر است. راجع به سبک بیان پیغمبر اکرم داستان‌های زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد پیامبر چقدر از خشونت در سخن پرهیز داشته است (همان، ج ۱۷، ص ۳۵۵). درست است که آیه در مورد یک ویژگی خاص پیامبر است، اما بیانگر یک قاعده کلی نیز هست و آن اینکه نرم‌خویی و عطف با باعث جاذبه شخصیت انسان می‌شود و می‌تواند قلمرو نفوذ اجتماعی فرد را گسترش دهد. بنابراین، نرم‌خویی و مهربانی یکی از مهم‌ترین صفات مریبان است و از این رو، همسر به‌عنوان اولین مربی فرزند باید نرم‌خو و مهربان باشد (پاک‌نیا، ۱۳۸۲، ص ۵۸-۵۹).

۲-۳. تولی و تبری: از نظر شیعه، تولی و تبری از فروع دین

فرزندان دارد، وظیفه‌شناسی و مسئولیت پذیری است. تقویت مسئولیت‌پذیری کودکان در خانواده به دو شیوه آشکار و پنهان ممکن است انجام پذیرد. شیوه آشکار، شیوه‌ای است که در آن از طریق تذکر، صحبت کردن و آموزش مستقیم مسئولیت و وظیفه انجام می‌شود. اما شیوه پنهان، شیوه‌ای است که در آن مسئولیت از طریق آموزش غیرمستقیم نشان داده می‌شود؛ یعنی از طریق عمل مادر به مسئولیت. شیوه دوم بسیار کارآمدتر از شیوه اول است؛ زیرا شیوه دوم به تعبیر روایت، دعوت به مسئولیت و وظیفه از طریق غیر زبان و گفتار است (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۷۸). البته قابل یادآوری است که این دو شیوه قابل جمع‌اند، اما نکته حایز اهمیت میزان اثرگذاری بیشتر شیوه دوم است.

۳-۳. کفویت و همسانی: به‌رغم ویژگی‌هایی که تاکنون مورد بررسی قرار گرفته‌اند، برخی ملاک‌های دیگر در همسرگزینی وجود دارند که می‌توانند نقش مهمی در تربیت سیاسی و اجتماعی ایفا نمایند. برخی از این ملاک‌ها در دین مورد تأکید قرار گرفته‌اند و برخی دیگر در روان‌شناسی و جامعه‌شناسی. جامعه‌شناسان در انتخاب همسر بر همگونی تأکید می‌کنند؛ یعنی مشابهت در ویژگی‌های اجتماعی. روان‌شناسان بر همگونی در ابعاد شخصیتی تأکید می‌ورزند (بستان، ۱۳۸۸، ص ۳۳).

۳-۳-۱. همسانی شخصیتی: روان‌شناسان در انتخاب همسر بر هم‌کفوی روانی تأکید می‌کنند؛ زیرا وقتی زن و شوهر در ویژگی‌های مثبت شخصیتی همسان باشند، زمینه برای استحکام خانواده و تربیت مطلوب فرزندان هموار می‌شود. چه بسا اتفاق می‌افتد که دو فرد در سایر ساحت‌ها دارای خصوصیات سازگار باشند، اما در بعد روانی و شخصیتی ناهمسان باشند؛ این ناهمسانی اکثراً به ناسازگاری منجر می‌شود (حسینی بیرجندی، ۱۳۸۱، ص ۷۶). ویژگی‌های مثبت شخصیتی، مانند از خودگذشتگی،

بسیاری از رفتارهای والدین را یاد گرفته‌اند؛ زیرا برای کودک در سال‌های اولیه زندگی از میان شیوه‌های متعدد یادگیری، مشاهده الگو مؤثرترین و پایاترین روش است (پناهی، ۱۳۸۹).

۳-۱. اصل و نسب: یکی دیگر از ویژگی‌هایی که در حیات اجتماعی و سیاسی انسان نمود رفتاری بارزی دارد و باید در انتخاب همسر به آن توجه شود، اصل و نسب است. هرچند این ویژگی در بدو نظر یک ویژگی عمومی به نظر می‌رسد که می‌شود از آن در ساحت‌های دیگر تربیت بحث کرد، اما واقعاً اصل و نسب و به تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام «ذی الاحساب و اهل بیوتات الصالحه و السوابق الحسنه» (مجلسی، بی‌تا، ج ۷۴، ص ۲۴۹)، از ویژگی‌های برجسته اجتماعی و سیاسی به‌شمار می‌رود. امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه خود به مالک اشتر ملاک‌گزینش کارگزاران، والیان و فرماندهان را این‌گونه بیان می‌کند: «از آنان که گوهری پاک دارند و از خانواده‌های صالح و شایسته و با سابقه نیکو هستند برگزین و از کسانی که از تجربه و نجابت بهره‌مندند و از خانواده‌های ریشه‌دار و خوش سابقه‌اند» (همان). توجه امام علی علیه السلام به اصل و نسب و حسن سابقه و نجابت در گزینش فرماندهان و والیان، نشان می‌دهد که این خصوصیات نقش تأثیرگذاری در مدیریت سالم سیاسی و اجتماعی دارند. وقتی کارگزاران تا این حد بر سرنوشت سیاسی و اجتماعی جامعه تأثیر دارند، یقیناً این ویژگی‌ها در گزینش مهم‌ترین عضو خانواده (همسر) که یک جامعه کوچک‌تر است، نیز بی‌تأثیر نیست. به تعبیر دیگر، توجه به اصل و نسب و نجابت خانوادگی در همسرگزینی نیز نقش بسیار تأثیرگذاری بر تربیت اجتماعی و سیاسی فرزند ایفا می‌کند.

۳-۲. مسئولیت‌پذیری: یکی دیگر از ویژگی‌هایی که باید در همسرگزینی به آن توجه شود و نقش مهمی در تربیت

خانوادگی دارد (جانقلی، ۱۳۸۳، ص ۲۰۸-۲۱۲). کودکان و نوجوانان در چنین خانواده‌هایی از جهات گوناگون در معرض باندهای کج‌رو و بزه‌کار اجتماعی و سیاسی قرار دارند؛ زیرا وضع نابسامان خانواده موجب می‌شود که کودکان و نوجوانان اوقات بسیاری را با دوستان خود در بیرون از خانه بگذرانند (مشکانی و مشکانی، ۱۳۸۳، ص ۲۴۴). باندهای فساد معمولاً برای شکار افرادی که از حمایت و مراقبت عاطفی و اجتماعی خانوادگی ضعیفی برخوردارند دام می‌گذارند و آنان را با انواع وعده‌ها و وسوسه‌ها به سوی خود جذب می‌کنند.

۳-۳-۳. همسانی فرهنگی: از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که باید در همسرگزینی رعایت شود و نقش مهمی در استحکام خانواده و تربیت فرزندان دارد، همسانی فرهنگی است؛ یعنی: همسانی و اشتراک در زبان، دین، ملیت، نظام ارزشی، بینش‌ها، باورها، آداب و رسوم، رفتار و سلوک اجتماعی و به‌طور کلی «سبک زندگی». بی‌تردید، اشتراک فرهنگی عام، شرط لازم در وفاق و همبستگی والدین است. از سوی دیگر، فقدان زمینه فرهنگی مشترک، امکان برقراری ارتباط مثبت را دشوار می‌سازد. شواهد فراوان نشان می‌دهد که تفاوت زن و شوهر از حیث زمینه‌های قومی، طبقاتی و یا حتی جغرافیایی می‌تواند باعث یادگیری انتظارات گوناگون در مورد مسائلی مانند ماهیت و محتوای نقش‌های زناشویی گردد. این تفاوت موجبات ناسازگاری و تزلزل خانواده را فراهم می‌کند. حد اعلای اشتراک فرهنگی زمانی حاصل می‌شود که علاوه بر اشتراک در عناصر فرهنگی عام، در خرده‌فرهنگ‌ها نیز با یکدیگر همسانی وجود داشته باشد (همان، ص ۱۹۲-۱۹۳). همسانی و سازگاری فرهنگی در تربیت سیاسی و اجتماعی از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا بررسی‌ها نشان می‌دهد که فقدان آن، یکی از عوامل عمده در ناسازگاری

اعتماد، وفاداری، تعهد، مسئولیت‌پذیری و همدردی و مشارکت‌جویی از ویژگی‌هایی است که می‌تواند زمینه را برای ایفای نقش‌های مناسب والدین در تربیت سیاسی و اجتماعی مهیا سازد.

۲-۳-۳. همسانی اجتماعی: خانواده کارکردهای تربیتی متعددی در ساحت‌های مختلف زندگی انسان دارد. از جمله، می‌توان به کارکردهای خانواده در ساحت تربیت سیاسی و اجتماعی اشاره کرد. از آنجاکه خانواده قوی‌ترین کانون عواطف است، نقش آن در جهت‌دهی رفتار سیاسی - اجتماعی فرزند بی‌بدیل و منحصر به فرد است (اخترشهر، ۱۳۸۵، ص ۱۷۵). با وجود این، باید خاطر نشان کرد که خانواده آن‌گاه می‌تواند کانون عواطف مثبت و هنجارمند باشد که بین پدر و مادر سازگاری اجتماعی وجود داشته باشد. سازگاری اجتماعی زمانی حاصل می‌شود که همسانی اجتماعی وجود داشته باشد. کارشناسان مسائل خانواده در حوزه‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی «همسان همسری» (Homogamy) را به‌عنوان یک اصل مورد توجه قرار داده و هر یک به طریقی بر اهمیت آن در همسرگزینی تأکید نموده‌اند. معمولاً افراد تا زمانی که در زندگی‌شان به بن‌بست برنخورده‌اند، اهمیت همسانی را درک نمی‌کنند؛ اما زمانی که اختلاف‌ها شکل گرفت و زندگی خانواده دچار اختلال شد، به آن حساسیت نشان می‌دهند. از این‌رو، امروزه همسانی اجتماعی همسران را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل پیش‌گیری از اختلافات خانوادگی در نظر می‌گیرند (بستان، ۱۳۸۳، ص ۱۹۲-۱۹۳).

یکی از پیامدهای اساسی اختلاف خانوادگی، تربیت نادرست اجتماعی و سیاسی فرزندان است. بسیاری از کج‌روی‌ها و بزه‌کاری‌های کودکان، نوجوانان و جوانان به نحوی ریشه در مسائل خانوادگی از جمله اختلافات

همسرگزینی در نظر گرفت؛ زیرا در غیر این صورت، زمینه لازم برای تربیت سیاسی - اجتماعی فرزند از بین می‌رود.

۳-۳-۵. کفویت در دین: در اسلام از «همسان‌همسری» با عنوان «کفویت» تعبیر شده است، اما کفویت در اسلام با آنچه از آن در جامعه‌شناسی به همسان‌همسری یاد می‌شود تفاوت اساسی دارد؛ زیرا کفویت از نظر اسلام دارای جهت‌گیری ارزشی است. در اسلام دو نوع برخورد با کفویت در همسرگزینی وجود دارد: نخست، تأکید بر جنبه‌های اخلاقی و ایمانی کفویت (ر.ک: بستان، ۱۳۸۳). دوم، طرد و نفی ملاک‌های نژادی، قومی و طبقاتی (ر.ک: همان، ص ۲۰۳)؛ زیرا این ملاک‌ها از نظر اسلام باعث ارزشمندی و کرامت نیست، بلکه کرامت به تقوای الهی است (حجرات: ۱۳).

امام جواد علیه السلام در جواب نامه شخصی که در مورد ازدواج دختران خود نوشته بود هیچ‌کس را هم‌شان خود نیافت، فرمود: آنچه را در مورد دخترانت بیان کردی و اینکه کسی را همانند خودت نمی‌یابی، دانستم؛ اما - خدایت رحمت کند - این امر را معیار و ملاک ازدواج دخترانت قرار مده؛ زیرا رسول اکرم فرمود: «هرگاه کسی که اخلاق و دیانت او را می‌پسندید به خواستگاری آمد، به وی همسر دهید؛ چراکه در غیر این صورت، فتنه و فساد بزرگی زمین را فرا خواهد گرفت» (حرّعاملی، ۱۳۸۴ق، ج ۱۴، ص ۵۱). پس ملاک موردنظر اسلام کفویت دینی است و کفویت اجتماعی یا فرهنگی در صورتی که با کفویت دینی سازگار باشد معتبر است. با این‌همه، باید خاطر نشان کرد که اصولاً تفاوت‌های فرهنگی امری اجتناب‌ناپذیر است و در تار و پود شخصیت انسان رخنه می‌کند تا حدی که باعث فاصله اجتماعی نیز می‌شود (یاندس، ۱۳۸۸، ص ۲۱۵-۲۱۹). اما باید یادآوری کرد که تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی گاهی ممکن است بیانگر تفاوت‌های عمیق‌تر

رفتاری و اخلاقی زوجین است که منجر به تقاضای طلاق شده است (فرجاد، ۱۳۷۷، ص ۳۴۴-۳۴۶).

واقعیت این است که یکی از مهم‌ترین دستاوردهای جامعه‌پذیری سیاسی و اجتماعی در خانواده انتقال فرهنگ سیاسی و اجتماعی به کودکان است. وقتی پدر و مادر به لحاظ فرهنگی ناسازگارند، فضای خانواده دچار ازهم‌گسیختگی در نگرش‌ها، علایق و سلیق، عواطف و رفتارهای اجتماعی و سیاسی خواهد شد. وقتی پدر و مادر به لحاظ فرهنگی ناهماهنگ باشند، فرزند دچار ناهماهنگی شناختی می‌شود؛ زیرا نمی‌داند که باید از ارزش‌ها و رفتارهای سیاسی اجتماعی کدام‌یک از والدین الگوبرداری نماید.

۳-۳-۴. همسانی و سازگاری سیاسی: بررسی‌ها نشان

می‌دهد که بین گرایش‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌های سیاسی والدین و فرزندان شباهت زیادی وجود دارد. هرچند این بررسی‌های عموماً به کشورهای صنعتی غربی مربوط است، اما می‌توان بر اساس دلایل منطقی گفت که این تشابه سیاسی در کشورهای غیرصنعتی، بخصوص اسلامی زیادتر است؛ زیرا پیوند خانوادگی و عاطفی عمیق‌تر و شدیدتر است. این رابطه نزدیک بین گرایش سیاسی والدین و کودک، حاکی از نقش تأثیرگذار والدین در پرورش سیاسی کودکان است (مهرداد، ۱۳۷۶، ص ۱۱۳). با وجود این، باید خاطر نشان کرد که وجود رابطه بین گرایش سیاسی والدین و کودک مشروط به هماهنگی و سازگاری گرایش سیاسی والدین است. اگر بین پدر و مادر به لحاظ سیاسی اختلاف وجود داشته باشد، نه تنها آنان بر گرایش سیاسی کودک اثر مثبت نمی‌گذارند، بلکه کودک را دچار «ناهماهنگی شناختی»، تشویش عاطفی و پریشان رفتاری در عرصه سیاسی می‌کنند. بر این اساس، می‌توان «سازگاری سیاسی» را نیز به‌عنوان یک ملاک در

۲. ویژگی‌هایی وراثتی که باید در همسرگزینی مورد توجه قرار گیرد عبارت است از: الف) صبر و بردباری؛ ب) ذکاوت و هوشمندی؛ ج) شجاعت. این خصوصیات مادر از طریق وراثت به فرزند منتقل می‌شود. البته باید یادآوری کرد که این عوامل وراثتی زمانی می‌تواند نقش اجتماعی و سیاسی خود را ایفا نماید و کارایی مضاعف داشته باشد که با پرورش اجتماعی و سیاسی مناسب همراه گردد.

۳. ویژگی‌های اکتسابی که باید در انتخاب همسر مورد توجه قرار گیرد خود به چند دسته تقسیم می‌شود: الف) شناختی؛ ب) عاطفی؛ ج) رفتاری.

۴. ویژگی‌های شناختی که در همسرگزینی باید رعایت شود عبارت است از: اعتقاد به خدا و تنظیم رابطه دیگران بر اساس تنظیم رابطه خود با خداوند. ویژگی‌های شناختی اجتماعی و سیاسی عبارتند از: الف) هوش اجتماعی؛ ب) آگاهی اجتماعی؛ ج) آگاهی سیاسی.

۵. ویژگی‌های عاطفی مانند خوش خلقی و نرم‌خویی نیز از ویژگی‌های سیاسی و اجتماعی هستند که باید در همسرگزینی مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا کودکان به واسطه پیوند عمیق عاطفی به مادر و از طریق روش الگوگیری، این ویژگی‌ها را فرامی‌گیرند.

۶. در ساحت رفتار نیز باید به ملاک اصل و نسب همسر توجه نمود. اصل و نسب از ویژگی‌های اجتماعی و سیاسی است که در تعابیر پیشوایان دین از آن به «ذی الاحساب و اهل بیوتات الصالحه والسوابق الحسنه»، یاد شده و امیرالمؤمنین علیه السلام آن را به‌عنوان ملاک انتخاب کارگزاران و والیان و فرماندهان معرفی کرده است.

۷. بررسی‌های روان‌شناختی اجتماعی و جامعه‌شناختی نیز برخی عوامل زمینه‌ای از قبیل «همسان‌همسری» را برای انتخاب همسر در نظر گرفته‌اند. آنان با بررسی‌های آسیب‌شناسانه در مسائل خانواده

(تفاوت در جهان‌بینی) باشد (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۶۰). در این صورت، بین دیدگاه اسلام و علوم اجتماعی در مسئله همسرگزینی هم‌سوئی به وجود می‌آید. بر این اساس، دین در تعیین معیارها و ملاک‌های همسرگزینی نگاه ارزشی و کارکردی را با هم جمع نموده و به کارکردهای مختلف ازدواج جهت‌گیری ارزشی داده است. توجه به عوامل مختلف روانی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به خاطر این است که این عوامل، به‌رغم نقش اراده آزاد، اختیار و تلاش انسان، در تکوین شخصیت، استحکام خانواده و تربیت اجتماعی و سیاسی فرزندان تأثیرگذار هستند. برای همین است که اسلام برای انتخاب همسر شایسته و صالح بر ویژگی‌هایی از قبیل مناسب بودن خانواده همسر، تأثیر خانواده زن بر تربیت فرزند (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۲۵۸؛ پاینده، ۱۳۸۲، ص ۳۸۱)، مناسب بودن صفات و خصوصیات اخلاقی و رفتاری همسر (صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۳۱۶)، و تأثیر خانواده از طریق وراثت و تربیت (حرعاملی، ۱۳۸۴ق، ج ۱۴، ص ۱۹) تأکید دارد.

نتیجه‌گیری

این مقاله در بررسی نقش عوامل زمینه‌ای (ویژگی‌ها و صفات همسر) در تربیت اجتماعی و سیاسی به نتایج زیر دست یافته است:

۱. شخصیت انسان از تعامل بین وراثت و محیط شکل می‌گیرد. وراثت یک ویژگی سرشتی است که از طریق آن، خصوصیات پدر و مادر به انسان منتقل می‌شود و محیط اعم از طبیعی و اجتماعی بستری است که در آن کودک از طریق جامعه‌پذیری اجتماعی و سیاسی خصوصیات اکتسابی (شناختی، عاطفی و رفتاری) پدر و مادر را فرامی‌گیرد.

منابع

- نهج الفصاحه، ۱۳۸۲، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، دنیای دانش.
- نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، قم، هجرت.
- آذربایجانی، مسعود و دیگران، ۱۳۸۲، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، تهران، سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- آقاجانی مرسا، حسین، ۱۳۸۷، جامعه‌شناسی همسرگزینی، ازدواج و طلاق، تهران، علم.
- اتکینسون، ریتا ال و دیگران، ۱۳۸۵، روان‌شناسی هیلگارد، ترجمه محمدنقی براهنی و دیگران، تهران، رشد.
- احمدی، حبیب، ۱۳۸۴، جامعه‌شناسی انحرافات، تهران، سمت.
- اخترشهر، علی، ۱۳۸۵، مؤلفه‌های جامعه‌شناسی پی‌گیری سیاسی در حکومت اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- استرنبرگ، رابرت و دیگران، ۱۳۸۹، هوش کاربردی، ترجمه مسعود بابازاده، تهران، ساوالان.
- استوتزل، ژان، ۱۳۷۱، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران، دانشگاه تهران.
- برگر، پیترو و توماس لوکمان، ۱۳۸۵، ساخت اجتماعی واقعیت، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران، علمی و فرهنگی.
- بستان، حسین، ۱۳۸۳، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بشارت، حسن، ۱۳۵۵، «نظریات جدیدی درباره نقش وراثت و محیط در هوش»، آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت)، ش ۱۳۵.
- پاک‌نیا، عبدالکریم، ۱۳۸۲، تربیت در سیره و سخن امام حسن مجتبی علیه السلام، قم، هجرت.
- پلامین، رابرت و دیگران، ۱۳۸۰، ژنستیک رفتاری، ترجمه محمدرضا نیکخواه و دیگران، بی‌جا، مهتاب.
- پناهی، علی‌احمد، ۱۳۸۹، «نقش التزام به آموزه‌های دینی در تربیت و استحکام خانواده»، معرفت اخلاقی، ش ۲، ص ۹۶-۷۷.
- جانقلی، مصطفی، ۱۳۸۳، بررسی وضعیت کودکان خسیابانی، آسیب‌های اجتماعی در ایران (مجموعه مقالات)، تهران، آگه.
- جویدت‌پی، سیگل، ۱۳۸۳، آنچه فرزندان از روابط پدر و مادر می‌آموزند، ترجمه مرتضی صفوری‌زاده و محمود فرجیان، تهران،

پیشنهاد کرده‌اند که باید به انواع همسانی‌های شخصیتی، اجتماعی، فرهنگی در همسرگزینی توجه نمود؛ زیرا بی‌توجهی به این عوامل باعث پدید آمدن مسائل عدیده در خانواده می‌شود که از جمله، می‌توان به پیامد چالش تربیت سیاسی و اجتماعی فرزندان اشاره کرد. آنچه در این میان از اهمیت اساسی برخوردار است این است که «همسان‌همسری» در عرصه‌های مختلف اجتماعی به سازگاری در آن ساحت‌ها می‌انجامد و به‌عنوان شرط لازم برای سازگاری تلقی می‌شود.

۸. کفویت در همسرگزینی، به جهت‌گیری ارزشی در انتخاب همسر اشاره دارد؛ یعنی خصوصیات ایمانی و اخلاقی که باید در تمام ابعاد اجتماعی و سیاسی شخصیت همسر وجود داشته باشد. این ملاک به تفاوت‌هایی از قبیل پایگاه اجتماعی، قومیت و نژاد، نه از باب برتری‌طلبی، بلکه به منظور شناخت به آن توجه می‌کند و ملاک فضیلت و کرامت را تقوای الهی می‌داند.



- نقش و نگار. تهران، اساطیر.
- حرّ عاملی، محمدبن حسن، ۱۳۸۴ق، *وسائل الشیعه*، تهران، المکتبه الاسلامیه.
- حسینی بیرجندی، مهدی، ۱۳۸۱، *خانواده‌درمانی و مشاوره ازدواج و زناشویی*، تهران، اساطیر.
- حسینی، سیدضامن بن شدقم، ۱۴۲۰ق، *وقعه الجمل*، قم، محمد دلشادتهرانی، مصطفی، ۱۳۷۶، *سیری در تربیت اسلامی*، تهران، ذکر.
- راوندی، فضل‌الله، بی‌تا، *النوادر للراوندی*، قم، دارالکتاب.
- رهنمایی، سیداحمد، ۱۳۸۷، *درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه.
- ساروخانی، باقر، ۱۳۷۰، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران، سروش.
- شرفی، محمدرضا، ۱۳۷۸، *تربیت اسلامی با تأکید بر دیدگاه‌های امام خمینی رضی الله عنه*، تهران، پنجره.
- شریعتمداری، علی، ۱۳۷۴، *روان‌شناسی تربیتی*، چ هشتم، تهران، امیرکبیر.
- شرفی، حسن‌پاشا، ۱۳۷۶، *نظریه و کاربرد آزمون‌های هوش و شخصیت*، تهران، سخن.
- شفرز، برنهار، ۱۳۸۸، *مبانی جامعه‌شناسی جوانان*، ترجمه کرامت‌الله راسخ، چ پنجم، تهران، نی.
- شهیدی، جواد، ۱۳۳۸، «اثر عامل وراثت و محیط در ارتکاب جرائم»، *کانون وکلا*، ش ۶۴.
- صانعی، مهدی، ۱۳۷۸، *نقش محیط از نظر اسلام، پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی*، مشهد، سناباد.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۴۰۳ق، *معانی الأخبار*، قم، جامعه مدرسین.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، *تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل‌بن حسن، ۱۳۷۷، *تفسیر جوامع الجامع*، تهران / قم، دانشگاه تهران و حوزه علمیه.
- ، ۱۳۷۰، *مکارم الأخلاق*، چ چهارم، قم، شریف رضی.
- فرجاد، محمدحسین، ۱۳۷۷، *بررسی مسایل اجتماعی ایران*،
- فلسفی، محمدتقی، بی‌تا، *کودک از نظر وراثت و تربیت*، تهران، هیئت نشر معارف اسلامی.
- قائمی، علی، ۱۳۸۰، *خانواده و نقش بنیادین آن*، تهران، سازمان ملی جوانان.
- قضاعی، قاضی، ۱۳۶۱، *شهاب الأخبار*، تهران، علمی و فرهنگی.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۲۹ق، *الکافی*، قم، دارالحدیث للطباعه والنشر.
- مجلسی، محمدباقر، بی‌تا، *بحارالانوار*، تهران، اسلامیة.
- محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۴۲۵ق، *موسوعة الامام علی بن ابی‌طالب*، چ دوم، قم، دارالحدیث.
- ، ۱۳۷۹، *میزان الحکمه*، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث.
- مشکانی، محمدرضا و زهراسادات مشکانی، ۱۳۸۳، *سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان*، *آسیب‌های اجتماعی در ایران* (مجموعه مقالات)، تهران، آگه.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۱، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.
- منصوری، جواد، ۱۳۸۶، *سیاست و نهادهای اجتماعی*، تهران، امیرکبیر.
- مهرداد، هرمز، ۱۳۷۶، *جامعه‌پذیری سیاسی*، تهران، پازنگ.
- نوابی‌نژاد، شکوه، ۱۳۸۰، *مشاوره ازدواج و خانواده‌درمانی*، تهران، انجمن اولیا و مربیان.
- نورمحمدی، مریم، ۱۳۸۱، «عامل افسردگی وراثت یا محیط»، *عروس هنر*، ش ۱۶ و ۱۷.
- هاینرش، هانس گرت و سی رایت میلز، ۱۳۸۰، *منش فرد و ساختار اجتماعی (روان‌شناسی نهادهای اجتماعی)*، ترجمه اکبر افسری، تهران، آگه.
- هری. سن. و تری یاندس، ۱۳۸۸، *فرهنگ و رفتار اجتماعی*، ترجمه نصرت فتی، تهران، رسانش.